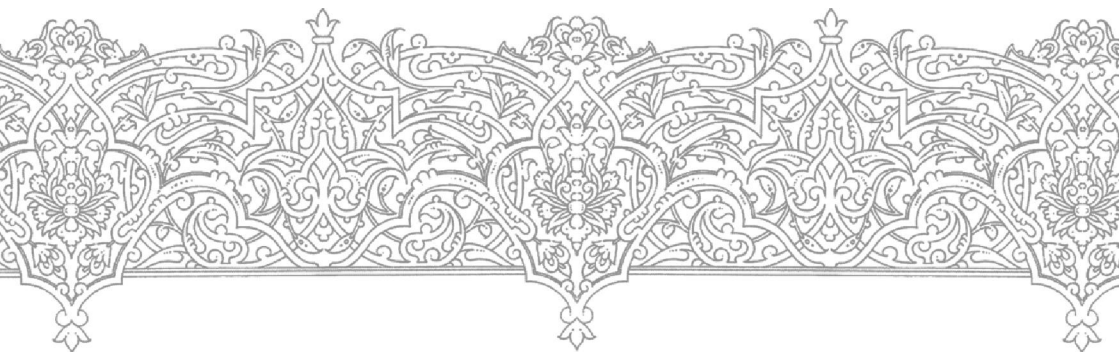




سید شهید محمد باقر حکیم و تقریب



بررسی افکار تقریبی سید محمد باقر حکیم نیاز به مقدماتی دارد:

۱. بررسی این فکر در ضمن تاریخ فکر تقریبی
 ۲. شناخت شرایط پیرامونی سید حکیم در عراق و ایران
 ۳. بیان اصول افکار و آراء سید در این زمینه
- البته بیان تفصیلی این امور در یک مقاله نمیگنجد لذا اشاره ای گذرا میکنیم و سپس به بررسی مستقیم طرح سید در زمینه تقریب می پردازیم.

نگاهی به تاریخ تقریب:

منظور از تاریخ تقریب، تلاشهایی است که در زمینه تقریب انجام شده است. در طول تاریخ از مفهوم تشیع و تسنن تعاریف مختلفی شده است و عناصر تاریخی سیاسی فقهی و... در آن دخیل شده است تا آنجا که دیگر ائتلاف شیعه سنی را نمی توان به مساله خلافت و امامت یا مسائل فقهی خلاصه کرد. بلکه عوامل مختلفی سعی در ایجاد دشمنی بین شیعه و سنی داشتند.

با ظهور دو دولت عثمانی و صفوی که هر یک طرفداری از یک مذهب را می کردند و تیره شدن روابط این دو به دلیل دشمنی های سیاسی، فصلی تازه از خصومات بین شیعه و سنی آغاز شد. هرچند بعد از سقوط این دو دولت عملاً باید اختلافات کاهش می یافت اما بعد از آن شاهد ورود استعمار هستیم که در این عصر به دو دلیل تفرقه ریشه دار شد:

۱. مصلحت استعمار در تفرقه انداختن بود.
۲. بعد از شکست روانی معمولاً ذلتی پیش می آید که انسان از اهداف عالی صرف نظر می کند و به امور پست و کوچک مشغول می شود.

و بعد از استعمار با ظهور وهابیت درگیری فرقه ای به اوج خود رسید هرچند مصلحانی نیز از جمله سید جمال الدین اسدآبادی و تلاشهای قم، نجف و الازهر هم جهت خاموش کردن آتش اختلاف انجام شد که شاید بزرگترین آن پروژه «دارالتقریب بین مذاهب اسلامی» قاهره بود.

شرایط محیطی:

شاید استعمار در هیچ کجا مثل عراق، برای تفرقه انداختن تلاش نکرده باشد. که البته بیداری اسلامی بر روی هواداران خود، افق های وسیعتری از اهداف تبلیغی گشود که به صورت خودجوش مایلند به امت اسلامی علل عقب ماندگی و راههای پیشرفت آن فکر کنند. و لذا احساسات فرقه گرایانه در این افراد ضعیف شد.

سید محمد باقر حکیم نیز از چهره های سرشناس بیداری اسلامی و شاگردان مکتب فکری و عملی شهید صدر بود. او به مداوای مستقیم فرقه گرای نپرداخت بلکه از طریق مطرح ساختن پروژه نظام بزرگ اسلامی برای بازیابی حیات اسلامی با زبان زمانه و مطابق با نیازهای روز، فرقه گرای را منزوی بلکه نزد حامیان بیداری اسلامی مطرود ساخت.

اصول فکر تقریبی سید حکیم:

۱. مداوای علمی تفرقه
۲. مداوای اخلاقی تفرقه
۳. مداوای ریشه های احساسی و روانی تفرقه
۴. امید به آینده تقریب
۵. شیعه و تقریب
۶. اقدامات اجرایی در راستای تقریب
۷. تفکیک بین مواضع حکومت و مردم در مسئله تقریب

مداوای علمی:

تفرقه گرای ریشه های روانی دارد که با عقب ماندگی و قبیله گرای مرتبط است. فرقه گرای فقط ظاهر مسائل علمی دارد ولی در واقع جز قبیله گرای نیست و دلیل آن هم این است که هیچ موقع به سمت حل مسائل و کشف حقیقت پیش نمیروند و بهترین دلیل هم اینکه معمولا هیچ دغدغه ای برای جهان اسلام ندارند و فقط در محدوده مسائل فرقه خودشان می اندیشند.

درمان علمی فرقه گرای هم این است که محل اختلاف را به سمت مسائل واقعی علمی سوق دهیم تا با شیوه ای که مقبول طرفین است، مسئله حل و نتیجه ای مقبول طرفین حاصل شود و یا اختلافی اجتهادی که امری طبیعی است باقی بماند ولی به دور از تعصب و خشونت.

این مهم در نظر سید حکیم به شیوه ذیل امکان پذیر است:

۱. تلاش برای کشف حقیقت هر مذهبی. هر مذهبی پیش فرض های خاص خودش را دارند چه در زمینه مباحث عقائدی چه فقهی یا تفسیر و فهم تاریخ. این تلاش به این دلیل است که متاسفانه حقائق هر مذهبی با اتهامات باطل، مخلوط شده است. لذا برای تقریب بین مذاهب اولاً باید اصول هر مذهب را از علمای همان مذهب بگیرد. تا واقعیت از افتراءات جدا شود. (گفت و گو ۳۸)

۲. در هر مذهبی نظرات فقهی و عقیدتی شاذ وجود دارد. در انتساب نظری به مذهب باید آرای رایج و مشهور لحاظ شود. (گفت و گو ۳۸)

۳. مرجعیت علمی حاکم بر اختلافات: "مسلمین اتفاق دارند بر این که این قرآن موجود همان وحی الهی است و همه سیره نبوی را نیز حجت می دانند و هیچ کس حق اجتهاد در برابر نص آنها ندارد. البته باید بدون پیش فرض و موضع داشتن سراغ قرآن رفت. نه اینکه قرآن را طبق نظر خودمان تفسیر کنیم (گفت و گو ۳۹) و بی شک حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) درباره شیوه مراجعه صحیح به قرآن و سنت دغدغه داشتند آنجا که در حجه الوداع به مراجعه به ثقلین توصیه کردند."

مداوای اخلاقی تفرقه:

منظور از درمان اخلاقی، التزام به آداب گفتگو و اختلاف است: «باید بر گفتگوها و مواضع علما، روح علمی حاکم باشد. بله اختلاف طبیعی است و دفاع و رد علمی نیز حق هر عالمی است. ولی همین دفاع و نقض می شود با حالت تندی و تهاجم باشد و می شود با حالت احترام به طرف مقابل باشد.»

«اگر علما می خواهند به تقریب برسند، فضای مباحثات بین علمای مذهبی باید مثل فضای بحث های علمای علوم طبیعی و فرهنگی باشد که غالباً بحث ها و جواب ها، با احترام و به عنوان بحث علمی است. (گفت و گو ۳۹)

مداوای ریشه های احساسی تفرقه:

مبالغه نیست اگر بگوییم ریشه اختلاف و تفرقه حالت روانی و احساسی است. احساسات و حالات درونی عموم مسلمین، حالت ضعف است. انسان مسلمان معمولاً مقابل عظمت غرب، احساس ضعف و شکست می کند همچنانکه امیدی به آینده بهتر ندارد و به شخصیت و هویت دینی، ملی و مذهبی خود احساس افتخار نمی کند.

این مسئله بازتاب های خاص خود را در صحنه عملی دارد که مهمترین آن در رابطه با مسئله تقریب این است که هر فردی و جماعتی از هر راه نادرستی می خواهد خودش را اثبات کند.

و در این زمینه سید حکیم پیشنهاد داده است:

«برای تقریب ناچار از طرح موضوعات مهم و اولویت دادن به آنها هستیم که این عامل تقریب بلکه وحدت است، چه اینکه هرچه دغدغه ها بزرگتر شود اتحاد حول آن نیز بزرگتر می شود. و هرچه به موضوعات جزئی تر بپردازیم، بیشتر به حاشیه می رویم.» (گفت و گو ۴۱)

انسان های ضعیف برای ایجاد درگیری به دنبال اختلافات میگردند، لذا در این فضا باید بر اشتراکات تاکید بیشتری کرد تا از حجم اختلافات کاسته شود و ایشان در همین رابطه می فرمایند:

«درست است که بین مذاهب اسلامی اختلاف است ولی اشتراکات بسیار مهمتر و بیشتر است. مثل حج واحد نماز های پنج گانه و و باید این نقاط اتفاق را به عنوان یکی از پایه های تقریب مطرح کرد.» (گفت و گو ۴۰)

و در رابطه با تهدید های و دشمن های مشترک فرموده است:

«اختلاف در این زمینه یعنی ضعف و اضمحلال امت اسلامی و تقویت دشمن. لذا معتقدم از مهمترین شالوده های تقریب، موضع گیری های واحد در مسائل سیاسی و اجتماعی است. کما اینکه در قالب همایش هایی هم اجرایی میشود، مثل همایش قاهره. تمام این گردهمایی ها برای حل مسائل اساسی چون مسئله زن و خانواده بوده است.» (گفت و گو ۴۱)

امیدواری به آینده مسئله تقریب

۱. از سنن تاریخی است که حق بدون تردید، پیروز میشود و باطل نابود می شود. مسئله تقریب و وحدت مسلمین نیز قضیه حقی است و بدون تردید به نتیجه میرسد چه اینکه پیروزی حق مسئله ای غیبی است که ما به آن ایمان داریم همانطور که قرآن در مواضع مختلف بیان میکند: «قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا» (گفت و گو ۴۲)

۲. مسئله دیگری که باید لحاظ کرد وجود نظام مقدس اسلامی است، که دغدغه مند و پیگیر مسئله وحدت است. این کشور هم تاثیر بین المللی فراوانی دارد و هم عقاید درستی دارد. و به جدیت خواستار بازیابی عزت و کرامت مسلمین است که در آینده مسئله تقریب تاثیر بسزایی دارد. (گفت و گو ۴۳)

۳. نکته سوم در این زمینه نیز وجود بیداری اسلامی است. این بیداری گروههای مختلف مسلمین را متحد و آنها را یک هدف میسازد (گفت و گو ۴۳)

۴. عامل بعدی، پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات است که میتواند سهمی بزرگ در ایجاد وحدت داشته باشد. زیرا به نظر من یکی از اصول تقریب، جستجو و آشنایی با حقایق هر مذهب است. و این وسایل کشف حقایق را آسانتر میکند. (گفت و گو ۴۳)

۵. پیشرفت جهان شمول فکر انسانی. علی رغم سقوط روز افزون اخلاق عملی در جهان و ازدیاد ظلم و استفاده از سلاح های کشتار جمعی و ... ولی شاهد پیشرفت در حوزه نظری اخلاق هستیم. مثل گسترش یافتن مباحثی چون حقوق بشر، آزادی و ... در حقیقت این از سنن جوامع بشری است که حالت

توازن بین سقوط اخلاقی و بیداری اخلاقی برقرار است. لذا میبینیم که پروژه های تقریبی زیادی در سطح منطقه ای و بین المللی، مطرح شده است که نتیجه همین بیداری اخلاقی است. (گفت و گو ۴۴)

۶. نکته دیگر نیاز امروز امت اسلامی به وحدت است. امت اسلامی امروز مشغول مبارزه ای تاریخی است و یکی از عواملی که میتواند به او کمک کند، وحدت است. و نیاز هم همانطور که گفته اند مادر اختراعات است. و وقتی امت احساس نیاز به چیزی بکنند برای رفع نیاز، اقدام خواهند کرد. پس فرصت ها و عوامل زیادی برای وحدت وجود دارد لذا میبینیم منادیان وحدت دست برتر را در جهان اسلام دارند و منادیان تفرقه رو به نفاق آورده اند و از مبارزه ی مستقیم دست کشیده اند که این خود بیانگر پیروزی تقریبیون است. (گفت و گو ۴۵)

شیعه و تقریب

بنده معتمد، مسئله تقریب یکی از پارامترهای اصلی تفکر اهل بیت است و یکی از واجبات شرعی است. اولین کسی که شعار وحدت را سر داد اهل بیت بودند. و این فقط یک شعار نبود، بلکه در مقام عمل هم این را پیاده و عملی کردند. در این راه چه در سطح مسائل شخصی و چه در سطح پیروان و شیعیان، فداکاری های زیادی نیز انجام دادند. در کتاب «الوحده الاسلامیه من منظور الثقلین» مواضع اهل بیت را توضیح دادم.

اصول و موارد زیادی است درمذهب اهل بیت وجود دارد که حالت تقریبی دارد، مثل تقیه. اگر متون تقیه را کامل مطالعه کنیم، متوجه میشویم که تقیه صرفا امنیتی و برای حفظ جان نبوده است بلکه جنبه تقریبی نیز دارد.

اصل همزیستی مسالمت آمیز بین مسلمین هم از جمله اصول اهل بیت است که در ذیل همین اصل، دعوت به نماز جماعت، زیارت مریض های اهل سنت، و... تعریف میشود.

همچنین امیرالمومنین (علیه السلام) در زمان خودشان، آزادی بیان و تعدد جریانات سیاسی را پذیرفته بودند. که در این جهت هم اهل بیت ممتاز هستند. امام معتقد بودند خوارج، طلحه، زبیر و... راهشان خطاست ولی تا زمانیکه اقدام به قیام مسلحانه نکرده بودند حضرت با آنها کاری نداشتند (گفت و گو ۴۶)

سید حکیم، مکتب اهل بیت را از زمان معصومین (علیهم السلام) تاهمین الان عامل به تقریب می دانست. در زمان معاصر حوزه قم که مواضع تقریبی آن خصوصا در زمان آیت الله بروجردی و تاکید بر همکاری بین مسلمین بر همگان واضح است. اما شاید عده ای بخواهند، حوزه نجف را ضد تقریب نشان دهند که ایشان بعضی از مواضع فراوان تقریبی حوزه نجف را شمرده اند:

۱. هنگام ورود انگلیس به عراق، در این زمان علمای نجف با صدور فتوای جهاد مقابل بریتانیا، در کنار دولت عثمانی ایستادند. با اینکه دولت عثمانی به خاطر اجبار مذهب حنفیه با پیروان دیگر مذاهب، به شدت برخورد میکرد (گفت و گو ۴۷)
۲. همچنین در خیزش مردمی ۱۹۲۰، مسئله و شعاری که مطرح است اخراج انگلیسی هاست و بحث حاکم جایگزین که شیعه باشد یا سنی مطرح نیست. بلکه علمای نجف از حجاز حاکم سنی آوردند. این علمای نجف و شیعیان بودند که مبارزه و فداکاری کردند ولی چون دغدغه ی اسلام را داشتند، حاکم سنی آوردند با این شرط که به اسلام عمل کند و وقتی که همین حاکم قوانین اسلام را نقض کرد، باز به خاطر دفاع از اسلام، در مقابلش ایستادند. (گفت و گو ۴۷)
۳. در جنگ جهانی دوم و موضع معروف سید ابوالحسن اصفهانی که در کنار انقلابیون و برای مقابله با انگلیسی ها ایستاد. (مصاحبه ۴۷)
۴. موضع علمای نجف در مقابل کمونیست ها و چپ گراها که میخواستند بر کل عراق مسلط شوند. با این که شرایط طوری بود که چنین موضعی نگیرند و اینگونه تلفات سنگین ندهند. بلکه دنبال منافع خود باشند، زیرا بعد از آن همه ظلم فرقه ای، در دوره جمهوری فضا ی آزادی پیش آمده بود که شیعه میتواندست به حکومت و موقعیت های نظامی و اقتصادی برسد. حال اینکه علما بر ضد حکومت عبدالکریم قاسم که حامی جریان کفر بود و حتی علیه همین فضا ی باز ایستادند تا در مقابل کمونیسم، وحدت مسلمین را حفظ کنند. (گفت و گو ۴۸)
۵. موضع علمای نجف در فتنه اکراد که بدیهتا از اهل سنت بودند و علمای ما، فتوای حرمت قتل و هرگونه دشمنی علیه آنان صادر کردند حال آنکه خود علمای حکومت ضداکراد بودند. (گفت و گو ۴۸)
۶. علاوه بر همه اینها موضع علمای نجف در قضیه فلسطین که در همه مراحل موضع گیری کردند و فتوا به جواز صرف وجوهات شرعی برای کمک به مبارزان فلسطینی دادند. این موضع ارزشی تا امروز ادامه دارد. (گفت و گو ۴۸)
۷. البته این مواضع علمای نجف در مقابل کمونیسم، بیانگر استقلال و منحرف نشدن به شرق و غرب است. (گفت و گو ۴۸)
۸. برای مسئله تقریب بین مذاهب تلاشهای فراوانی در نجف اشرف برای ترویج فرهنگ وحدت و تالیف کتب درسی وحدت گرا و قراردادن فقه مقارن به عنوان ماده درسی شده است. و این مسئله برای اولین بار در نجف اشرف اتفاق افتاده است، که کتاب الاصول العامه للفقہ المقارن سید محمد تقی حکیم

به عنوان کتاب درسی در حوزه نجف و دانشگاه اصول الدین بغداد که زیر نظر مرجعیت دینی اداره میشود به عنوان ماده درسی مصوب شد. تاریخ حوزه نجف تالیف چنین کتبی را چه در روزگار قدیم و چه معاصر زیاد به خود دیده است مثل مجله مرحوم شیخ کاشف الغطاء در دوران عثمانی، کتاب خلاف شیخ طوسی و کتاب التذکره و المختلف علامه حلی که ایشان هم از علامه مکتب نجف هستند. (گفت و گو ۴۹)

۹. همچنین فعالیتهای علمای نجف برای ارتباط گرفتن با علمای الازهر خصوصا شیوخ الازهر. و

از نتایج این تلاشها صدور آن فتوای معروف شیخ شلتوت، بزرگ الازهر بود. طبیعتا آیت الله العظمی بروجردی (رحمه الله علیه) که در قم بودند، نقش فوق العاده ای در این زمینه داشتند ولی به خاطر شرایط سیاسی ایران و عراق در آن زمان، ادامه ارتباط با الازهر از طریق علمای نجف انجام شد. بد نیست بدانید فتوای معروف شیخ شلتوت در زمان عبدالناصر صادر شد که روابط بین ایران و مصر تیره بود ولی در همان زمان علمای نجف مشغول مبارزه با کمونیست ها بودند که باعث نزدیکی علمای نجف با باقی علما خصوصا علمای الازهر شد. شاهد مثالی بیاورم. در آن زمان که شاه رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت و دفتر سیاسی آن را در تهران افتتاح کرد، شیخ شلتوت تلگرافی به سید حکیم (رضوان الله تعالی علیه) زد و سید حکیم هم بعد از آن این عمل شاه پهلوی را محکوم کرد. (گفت و گو ۴۹)

۱۰. از جمله تلاشهای علمای نجف در راستای تقریب، ارسال منابع اصلی و مهم شیعه به کتابخانه های مرکزی در مصر، لبنان، سوریه و سودان و دیگر کشورهای اسلامی بود. همچنین حضور در کنفرانس های علمی که در قاهره، مراکش و تونس برگزار میشد و دیدار با علما و متفکرین مسلمین سراسر جهان اسلام بود. در بعضی از کنفرانس ها مرحوم شیخ مظفر و در بعضی دیگر سید محمد تقی حکیم شرکت میکرد. (گفت و گو ۵۰)

۱۱. بعد دیگری از فعالیتهای تقریبی نیز در ایجاد ارتباط بین مدارس و دانشگاههای دینی نجف اشرف و بغداد با دانشگاههای هم رشته در جهان اسلام، محقق میشود. که مهمترین آنها دانشگاههای علوم اسلامی در قاهره بود. و سید محمد تقی حکیم و علامه سید مرتضی عسکری فعالیت جدی در این زمینه جهت تقریب انجام دادند.

اقدامات اجرایی در راستای تقریب

۱. ترویج فرهنگ تقریب. بدون زمینه فرهنگی هیچ قدمی نمیتوان برداشت. باید فرهنگ تقریب فرهنگ مقبول تمام مسلمین شود. و معتقدم بهترین چهارچوب برای چنین کاری اهل بیت هستند. به دلیل افکار و فعالیت هایی که جهت یکی ساختن صفوف مسلمین انجام دادند. و مثمر ثمر بودن فعالیتهای

اهل بیت به دلیل محبت فراوانی است که مسلمین در طی تاریخ تا همین امروز به این خاندان کریم داشته اند.

لذا بهترین راه برای یکی کردن محبت مسلمین، شناساندن فکر، فرهنگ و اخلاق اهل بیت است. اتحاد حول محور اهل بیت به معنای شیعه شدن همه نیست بلکه به معنای احترام به پیشنهاد های مطرح شده است. و بر این اساس اقداماتی انجام دادم:

مثل تالیف کتبی که نظرات اهل بیت را در زمینه مهم و حساس بیان کند. از جمله (الحکم الاسلامی بین النظریه و التطبيق) که نظرات اهل بیت در مورد قانون را در حوزه نظریه و همچنین بررسی تطبیقی آن با قانون اسلامی ایران را انجام دادم. همچنین تالیف کتاب (الوحده الاسلامیه من منظور الثقلین) که بنظم از کتب نادر در این زمینه است.

۲. اهتمام به قرآن کریم در سطح تفسیر و دروس قرآنی. و این تلاشی در راستای تقریب است چه اینکه قرآن محل اتفاق مسلمین است. و هرچه توجه به قرآن بیشتر شود، اتحاد بیشتر میشود. لذا دروسی در علوم قرآن تدوین کردم و با مسولین حوزه مذاکراتی داشتیم. همین کار را نیز، در ایران پیگیری کردم. (گفت و گو ۵۲)

۳. شرکت در کنفرانس. در کنفرانس هایی که برای فلسطین و همچنین وحدت اسلامی تشکیل شده بود، همچنین در تعدادی از کنفرانس های دیگر در سراسر جهان اسلام شرکت کردم. (گفت و گو ۵۲)

۴. خدمت در ایام حج. سید حکیم اولین نفری بود که بعثه حج دینی تشکیل داده بود، و بنده به مدت ۹ سال مسول این بعثه بودم که هم به شیعیان خدمات میداد هم به باقی مسلمین. (گفت و گو ۵۲)

۵. مشارکت جدی در تاسیس مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی و در تمام فعالیت های مجمع، و تقدیم پیشنهاد های علمی که معتقدم اگر اجرایی شود، سهم به سزایی در تقریب مسلمین دارد.

از جمله پیشنهادات:

جمع آوری و تدوین روایات مشترک فریقین که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که تعداد زیادی است.

تالیف پیرامون روات مشترک. زیرا تعداد زیادی روای است که فریقین به آنها اعتماد دارند و از آنها روایت نقل میکنند. و نشان میدهد که مسلمین در گذشته وضع بهتری نسبت به الآن داشته اند.

همچنین توجه و تحقیق پیرامون منابع اصلی شیعه و سنی با تحقیقی تقریبی. مثلا صحیح بخاری که یکی از ۶ کتاب مقبول اهل سنت است را با حواشی از روایات اهل بیت که هم مضمون با آنهاست، چاپ

شود. و این پیشنهادات کم کم اجرایی هم میشوند مثلا در زمینه فقهی، مجمع کتاب «بدایه المجتهد و نهایه المقتصد» ابن رشد که مورد توجه اهل سنت است را با حاشیه فقه استدلالی شیعه دارد تحقیق و چاپ می کند. (گفت و گو ۵۳)

۶. شرکت در تاسیس دانشگاه مذاهب اسلامی. در سطح قانون گذاری و بیان کلیات و امور اجرایی (گفت و گو ۵۳)

۷. مجله رساله تقریب که وقتم را صرف چاپ و نظارت بر موضوعاتش کردم. و مجله خوبی در زمینه تقریب است که امیدوارم بیشتر پیشرفت کند (گفت و گو ۵۴)

این هم از کارها و فعالیت های اجرایی. لازم است تاکید کنم که آنچه تاکنون انجام داده ام نسبت این هدف و طرح بزرگ، اندک و ناچیز است و از خداوند توفیق انجام خدمات بیشتر در این زمینه را خواستارم. (گفت و گو ۵۴)

تفکیک بین مردم و حکومت در اختلاف بین شیعه و سنی

در طول تاریخ مصالح حکومت ها اقتضا میکرد که آتش دشمنی های فرقه ای را شعله ور کنند. لذا خیلی از حکام به اسم تشیع به اهل سنت ظلم میکردند و تعداد بیشتری نیز به اسم دفاع از اهل سنت به شیعیان ظلم میکردند. سید حکیم که میدید حکام عراق نیز همین شیوه را در پیش گرفتند قاطعانه بین مردم و حکومت تفکیک قائل شده و میگفت:

الان روابط بین گروه های مختلف ملت عراق روابطی برادرانه و دوستانه است تا آنجا که انسان اصلا احساس اختلاف مذهبی بین فرزندان این کشور نمیکند.

شیعیان با اهل سنت ازدواج میکنند. بلکه اصلا بعضی از عشایر عراق نیمی شیعه هستند و نیمی سنی. بسیاری از موسسات فرهنگی یا تجاری شرکای شیعه و سنی دارند. و این اختلاط و اتحاد در همه ی عرصه ها موجود است.

اما در سطح حکومت متأسفانه امر کاملا برعکس است. سیاست های دولت مبتنی بر ایجاد تفرقه بین مذاهب است و تا آنجا جلو رفته است که شعار: شیعه بعد از این نیست را سر داده است.

این دولت سعی دارد تمام آثار اهل بیت را در عراق از بین ببرد. لذا خیلی از علما را به شهادت رساند. موسسات شیعی را تعطیل و مانع نشر کتبی شد که گاهی بعضی از آنها یازده قرن قدمت داشتند مثل کتب شیخ طوسی و شیخ صدوق.

آنها میکوشند که فرزندان سنی را علیه شیعیان بشورانند.

و ما تلاش فراوانی برای نقش بر آب کردن این توطئه انجام دادیم که الحمدلله به نتیجه رسید و امروز مردم عراق کنار یکدیگر متحد و منسجم هستند و معلوم شد که صدام نه تنها سنی بلکه اصلاً عراقی نبوده است و با همه دشمنی داشت و نه تنها برای بقای حکومتش به اهل سنت هم رحم نمی کرد بلکه حتی به اعضای حزب خود بلکه حتی اعضای خانواده خود. (گفت و گو ۵۴-۵۶)

منابع:

- ۱ - قصه الطوائف، الاسلام بین المذاهبیه و الطوائفیه، د. فاضل النصارى، دمشق ۲۰۰۰م.
- ۲ - مقدمه فکریه لحرکه المشروطه، د. علی اکبر ولایتی، ترجمه د. محمد علی آذرشب، المستشاریه الثقافیه بدمشق ۲۰۰۱م.
- ۳ - الخلاف السنی الشیعی و محاولات التقرب المذهبی فی القرن العشرين، عدد خاص من "امتی فی العالم"، الكتاب الخامس، مرکز الحضارة الدراسات السياسیه القاهره، ۲۰۰۱م.
- ۴ - ملف التقرب، د. محمد علی آذرشب، المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامیه، طهران ۱۴۲۱هـ
- ۵ - رساله التقرب، مجله، العدد ۱۱، المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامیه، طهران ۱۴۱۷هـ
- ۶ - مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، تفسیر الشهرستانی تحقیق د. محمد علی آذرشب، مرکز احیاء التراث المخطوط، ط ۱، طهران.
- ۷ - ادب الاختلاف فی الاسلام، د. طه جابر العلوانی المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
- ۸ - مسأله التقرب بین أهل السنه و الشیعه، ناصر الفقاری، ط ۳، السعودیه ۱۴۲۴هـ
- ۹ - خطاب الوحده الاسلامیه، زکی المیلاد، دار الصفوه، بیروت ۱۴۱۷هـ
- ۱۰ - رساله الاسلام، مجله دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه فی القاهره.



المجمع الدولي للأمة الواحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH
اتحاديه بين المللى امت واحده



واحد فرهنگى و آموزش
اتحاديه بين المللى امّت واحده
با همکارى مجله الكترونيكى اخوت
www.unified-ummah.com
www.okhowah.com